

ترجمه و نگارش :  
احمد احمدی بیرجنلی  
از دائرة المعارف اسلامی (فرانسه)

## ابونواس

حسن بن هانی الحکمی معروفترین شاعر عرب عصر عباسی است . وی بین سالهای ۱۳۰ و ۱۴۵ هجری در اهواز متولد شد و بین سالهای ۱۹۸ و ۲۰۰ هجری در بغداد وفات یافت (حمزه اصفهانی نیز همین تاریخ را بدست داده است ، نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق ششم - / و) با توجه به اینکه دیوانش شامل مرثیه‌ای درباره امین است (متوفی در سال ۱۹۸ ه) تاریخهایی که مقدم بر سال ۱۹۸ درباره سال وفاتش نوشته شده است ؛ نادرست می‌نماید .

پدر ابونواس از لشکریان آخرین خلیفه اموی مروان دوم و مولای جراح بن عبدالله الحکمی بود که متعلق به قبیله بنی سعد بن عشیره از عربستان جنوبی است . بهمین جهت است که ابونواس نسب خود را از این قبیله می‌داند و نسبت به اعراب شمالی کینه و نفرتی در دل دارد . در عوض مادرش گلبان (جلبان) ایرانی بود . ابونواس هنگامی که هنوز بسیار جوان بود به بصره آمد و از آنجا به کوفه رفت . اولین استادش والبت بن الحباب بود . . . . .

بعد از مرگ والبه (رک : مرثیه ، دیوان ، قاهره ۱۸۹۸ ، ۱۳۲) شاگرد و هواخواه خلف الاحمر شاعر و راوی شد . بعلاوه ، اطلاعات و معلوماتی در باب قرآن و حدیث تحصیل کرد و در مجالس درس علماء صرف و نحو همچون ابو عبیده و ابوزید و دیگران حاضر میشد و نیز نقل شده است که برای آموختن زبان عرب ، بر طبق رسم و آئین

قدیم ، مدتی در بین قبایل بدوی سکونت اختیار کرد . بعد از تربیت و ممارست کافی به بغداد مراجعت کرد تا با مدائج خود لطف و عنایت خلفای بغداد را نسبت به خویش جلب کند ، ولی در دربار بغداد گوشه‌های شنوائی که باشعارش توجه کنند نیافت ؛ در عوض ، برامکه ملاطفت و عنایت بیشتری نسبت به وی ابراز داشتند. پس از سقوط برامکه ناچار به مصر گریخت و در آنجا اشعاری در مدح رئیس دیوان الخراج ، خاطب بن عبدالحمید سرود . مع هذا ، بزودی توانست به شهر دلخواه خود ، بغداد ، بازگردد و در خشان‌ترین دوره حیات خود را به عنوان مصاحب خوشگذرانیهای امین سپری کند . با وجود این ، روزی امین ابونواس را از شرب خمر منع کرد و او را به همین بهانه به زندان افکند . مطالبی که در باب مرگ ابونواس نقل شده است اطمینان بخش و درست نیست . بنابه يك روایت ، ابونواس بعثت سرودن شعری کفرآمیز به زندان افتاد و همان‌جا از دنیا برفت . بر حسب روایت دیگری در خانه زنی می‌فروش از جهان رفته است . روایت سوم حاکی از آن است که ابونواس در خانه خانواده دانشمندان شیعی نوبختی جان به جان آفرین تسلیم کرده است .

حقیقت امر هر چه باشد ، روابط دوستانه‌ای او را با اعضای این خانواده و مخصوصاً با اسمعیل بن ابی‌سهل نوبختی پیوند می‌داده است که ، با همه نزدیکی ، ابونواس درباره او اشعار تند و توهین‌آمیزی سرود (دیوان ، ۱۷۱) و بعد بهمین جهت باید این گفته را که ابونواس به دست فرزندان نوبخت کشته شده انهام بی‌اساسی دانست ، بخصوص که خانواده نوبخت ، بعد از آن به جمع‌آوری دیوان اشعار ابونواس مشغول شد و حمزه اصفهانی توانست از اطلاعاتشان بهره‌مند شود (رک : نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق سوم ، پ) .

بونواس در نظر منتقدان ادبی عرب ، بعنوان نماینده مکتب جدید شعری محدثون معرفی شده بود . «همچنانکه امرؤ القیس از شمار شاعران کهن محسوب می‌شود ، ابونواس از شمار شاعران جدید است» (نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ، ورق هفتم / ر) تنها بشار بن برد می‌توانست با وی رقابت کند . در عین آنکه ابونواس هنوز عموماً شکل کهن شعر سرائی را در اشعار مدیحه‌اش بکار می‌برد (رک : برای نمونه . دیوان ، ۷۷ قصیده منهو که درباره فضل بن ربیع ، که به صورتی کامل بوسیله ابن جثنی شرح شده

است) مع هذا درهمه جا شیوه های قدیم سرودن اشعار، بویژه نسیب را به باد استهزا می گیرد. گاه اتفاق می افتد که حتی بدون مقدمه به نسیب آغاز می کند. در شعری چنین می گوید:

«من از آن جهت گریه نمی کنم که خیمه گاه محبوب دوباره خالی و ویران شده است»

(نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵ ورق ۱۲/ر)

«علاوه بر جایی که محبوبه در آن سکونت اختیار کرده است، بر میکده های اشک می بارد که ناپدید شده و بردوستان میگساری تأسف می خورد که در جهان پراکنده شده اند» (ر.ک: همچنین شعری که بوسیله ه. ریتز، در اریانتالیا، استانبول، ۱۹۲۲، ترجمه شده است)¹.

نوع شعری که در آن ابونواس مخصوصاً ممتاز و مشخص است خوریات است و نیز اشعاری که در عشق و دلدادگی نوجوانان سروده است. ابونواس نه فقط در توصیف مزایای شراب و عشق غیرطبیعی باشکلی تازه مهارت دارد؛ بلکه تجربیاتش را درین شیوه با واقع گرایی خاص و توأم باطنز بیان می کند. علاوه بر این پروائی ندارد از اینکه به مسخره کردن خویش پردازد، درحالی که از عبرتهایی که در پایان میخوارگی های بی حساب با نوجوانانی که بر اثر نوشیدن شراب به پایانی گناه آلود رسیده اند، سخن گوید و تنبیهی را که برای وی حاصل شده است ابراز کند (ر.ک: برای نمونه نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵ ورق ۲۱) همچنین اشعاری استهز آمیز دارد که درباره جسم تحلیل رفته و بر اثر مرض سخت نزار و لاغر شده خود، سروده است (دیوان ۱۳۱ و بعد). ابونواس اغلب با صداقتی قابل توجه به گناهان خود اعتراف می کند و نیز همگنانش را به توبه کردن و انابت دعوت می نماید. از خرده گیران می خواهد که او را آرام بگذارند زیرا سرزنشها و زخم زبانه های آنان جز آنکه آتش درونش را تیزتر کند کاری نمی تواند کرد؛ گویی تا آخر عمر می بایست به همین صورت زندگی کند.

ابونواس از اینکه با تمام وجود به کارهایی پرداخته است که در نزد خدا ناخوشایند

است، بجز شرك، بخود می بالد (دیوان ۲۸۱).

تمام قوانین و مقررات اسلام را با ضربات ریشخند آمیز خود کوبیده است. با وجود این، اشعار ضداسلامی او طبق نقشه‌ای معین سروده نشده؛ بلکه حمله‌اش به اسلام تنها منبعث از عشق و علاقه زیاد به درک احکامات است؛ زیرا قوانین و مقررات اسلامی مانع و رادعی در وصول او به لذت و خوشی می‌باشد. سرانجام، به رحمت و بخشایش پروردگار می‌اندیشد و تصور می‌کند که رفتار گناه‌آلودش آن قدر بسی ارزش و اهمیت است که خداوند به آن توجهی نخواهد فرمود (نسخه فاتح، ۳۷۷۵، ورق ۱۶ ر/پ) مع‌هذا از اشعار زاهدانه‌اش هیچ استنباطی درین باب بدست نمی‌آید که در آخر عمر به سرنوشت خود توجهی کرده و توبه کرده باشد. آنچه تصور می‌شود اینست که این اشعار به مناسبت اوضاع و احوال زودگذر حیات سروده شده و از نوع اشعاری است که به مناسبت و در موقعیت‌های خاص سروده می‌شود.

از طرف دیگر، در دیوان اشعارش تناقضاتی به چشم می‌خورد. این اشعار نه تلّون و نه ناشایستگی گفتار و کردارش را ثابت می‌کنند؛ بلکه تنها پاسخهایی هستند که شاعر به نیاز باطنی و روحی خود داده و حاکی از آن است که وی خواسته است بدین وسیله اندیشه‌هایش را بیان کند و یا هدفش این بوده است که افکار عمیقش را به زبان شعر آشکار نماید.

اشعاری که درباره عشق زنان سروده است نسبت به اشعاری که درباره عشق غیر طبیعی سروده شده است، مرتبه‌ای بس نازلتر دارد. ابونواس تنها نسبت به یک زن عشق ورزیده و آن کنیزکی بوده است به نام جنان اما حمزه اصفهانی این مطلب را با شدت انکار می‌کند و یک دسته از زنانی را برمی‌شمارد که شاعر نسبت به آنان عشق می‌ورزیده است (نسخه خطی فاتح ۳۷۷۴ ورق ۷۶/پ) اما این امر به نام زنانی مربوط می‌شود که از دیوان اشعارش استخراج شده و شاید این زنان چیزی جز پرداخته‌های خیال شاعر نبوده باشند در دیوان ابونواس، برای نخستین بار در ادبیات عرب، به فصلی برمی‌خوریم که در آن شاعر اشعاری مربوط به شکار سروده است. این اشعار، بویژه سنگهای شکاری بازها، اسبها و همچنین چند حیوان درنده را بخوبی توصیف می‌کند و با قدرت شگفت انگیز بیان شاعرانه مشخص و ممتاز است. درین قبیل اشعار به نمونه‌های شعری که قبایل بدوی عرب درباره توصیف حیوانات سروده‌اند نظر داشته ولی چنین می‌نماید

که به این نوع شعر استقلال و ابتکار تازه‌ای بخشیده‌است. بعدها ابن معتر<sup>۱</sup> این نوع شعر را به کمال رسانید.

زبان ابونواس شامل تعدادی لغات مبتذل و عامیانه‌است که در زمان او متداول بوده‌است، اما این زبان بر روی هم درست و هموار است. خطاهایی که بر او گرفته و او را به سبب استعمال برخی کلمات ملامت کرده‌اند، در نزد سابقین و شاعران مقدم بر او نیز رواج داشته‌است (رک: فوک، عربستان، ۵۱، بعد). اغلب اوقات در اشعار ابی‌نواس به کلمات فارسی برخورد می‌کنیم (وگاه يك ترکیب کامل مانند: دشت بیابان، نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵، ورق ۲۹) از طرف دیگر، فرهنگ ایرانی نقش مهمی در اشعارش ایفا می‌کند (رک: گابریلی مجله شرق جدید، ۳۳، ۲۸۳)<sup>۲</sup> در اشعار ابونواس اغلب به قهرمانان تاریخی ایران بر می‌خوریم، اما قهرمانهای عرب نیز در اشعارش معرفی شده‌اند. هر چه باشد، این امر به تمایل و کشش خاصی مربوط نیست، زیرا به اشکال می‌توان به این نکته پی برد که ابونواس شاعری از فرقه شعوبیه باشد. آثار این شاعر تنها چشم‌انداز فرهنگی عصر عباسی را که در آن عنصر ایرانی تسلط و برتری روزافزون و زیادی داشته‌است منعکس می‌سازد.

در فرهنگ عامیانه عرب، شخصیت ابونواس بستگی بسیار نزدیکی به شخصیت هارون الرشید پیدا کرده‌است که به سهم خود جلال و درخشندگی خلافت را در وجود خویش منعکس می‌سازد. بدین طریق، ابونواس در کتاب الف لیلة و لیله حق آب و گلی پیدا کرده و حتی در عصر ما نیز یکی از شخصیت‌های مورد علاقه قصه‌های عامیانه بشمار می‌رود که در آنها اغلب اوقات نقش يك دلک درباری را ایفا می‌نماید (رک: شاده. مقاله «منشأ داستانهای ابونواس در هزار و یکشب» در نشریه «انجمن خاورشناسی آلمان»، شماره ۸۸، ۲۹۵، بعد؛ و شماره ۹۰، ۶۰۲، بعد؛ و. و. اینگرام، «ابونواس در زندگی و در افسانه» لندن ۱۹۳۳ که شاده درباره آن در «مجله ادبیات خاوری» شماره ۳۸ (۱۹۳۵)، ۲۷-۵۲ شرحی نوشته‌است).

ابونواس به جمع‌آوری اشعارش اقدام نکرد. بدین جهت است که از طرفی، بسیاری

از اشعارش مفقود شده است، مخصوصاً اشعاری که در مصر سروده بود که همچنان در عراق ناشناخته مانده است. (ر.ک: نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق ۴/ر) از طرف دیگر، بسیاری از اشعاری که دیگران در باب شراب و امارد سروده اند به وی نسبت داده اند. امروز دیوانش به تحریرهای مختلف در دسترس ما قرار دارد، که دو تحریر عمده آن را به مجاهدت دوتن محقق و مؤلف یعنی: صولی و حمزه اصفهانی مدیونیم. (در باب حمزه رجوع کنید: میتوخ، فعالیت ادبی حمزه اصفهانی، گزارشهای سمینارهای زبانهای شرقی، ۱۲، ۱۵۶، و بعد).

صولی سعی می‌کند آنچه را از اشعار ابونواس مغشوش و مخدوش بنظر می‌رسد از نسخه خود خارج کند و اشعارش را بصورتی بسیار دقیق، در هر فصل، با نظم خاص الفبائی، طبقه‌بندی نماید ولی حمزه اصفهانی با دیدی انتقادی، اما محدودتر، درین باره چنین ابراز عقیده می‌کند که: (غیر ممکن است بدانیم آیا یک شعر واقعاً اصیل و صحیح است یا خیر). در نتیجه این شیوه انتقاد، تحریر وی سه برابر نسخه صولی است. نسخه حمزه با رقم درست ۱۵۰۰ قطعه شعر است که شامل ۱۳۰۰۰ بیت می‌شود. وی تعدادی از قطعات اشعار را در دیوان خود فراهم آورده است که در تحریر صولی وجود ندارد. در دیوان حمزه چند فصل همراه شرح و تفسیر نیز آمده است. افزون برین، حمزه در نسخه تحقیقی خود، «رساله» معروف به «شامی» در باب سرقات ابونواس را، که مهلهل بن یموت برای وی فرستاده بود، نیز جاداده است. چاپ اشعار خمیری (خمیریات) که بوسیله اهلوارد انجام شده تبعیت از نسخه صولی کرده، در صورتیکه چاپ قاهره سال ۱۸۹۸ میلادی بر اساس نسخه حمزه اصفهانی طبع شده است.

ما فعلاً آنچه در دسترس داریم - بویژه در استانبول - نسخه‌های خطی از این دو تحریر است که از نسخه‌هایی که بوسیله نخستین ناشران انتشار یافته، به مراتب بهتر است.

\* \* \*

ذیل: از جهت حسن ختام لازم دیدیم ابیاتی را که ابونواس در مدح حضرت رضا عایه السلام سروده است بنقل از کتاب (عیون اخبار الرضا) شیخ صدوق با شرحی که در مقدمه آن آمده است در پایان این مقال بیاوریم (مترجم).

«حدثنا الحسين بن ابراهيم بن احمد بن هشام المكتب رحمه الله ، قال : حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه ، قال : حدثنا ابو الحسن محمد بن يحيى الفارسي ، قال : نظر ابونواس الى ابي الحسن علي بن موسى الرضا (عليهما السلام) ذات يوم وقد خرج من عند المأمون على بغلة له ، فدنا منه ابونواس ، فسأله عليه وقال : يا ابن رسول الله قد قلت فيك آياتاً فاجب ان تسمعها مني قال : هات فانشأ يقول :

مطهرون نقيات ثيابهم	تجرى الصلوة عليهم اينماذكروا
من لم يكن علويًا حين تنسبه	فماله من قديم الدهر مفتخر
فالله لما برىء خلقًا فاتقنه	صفاكم واصطفىكم ايها البشر
فانتم الملاء الاعاى و عندكم	علم الكتاب وما جاءت به السور

فقال : الرضا (عليه السلام) قد جئتنا بابيات ماسبقك اليها احد ، ثم قال يا غلام هل معك من نفقتنا شيء ؟ فقال : ثلاث مائة دينار ، فقال : اعطها اياه ، ثم قال عليه السلام ، لعله استنقها يا غلام سق اليه الباقه<sup>۳</sup> .

\* \* \*

درجای دیگر چنین آمده است : «حدثنا ابونصر محمد بن الحسن بن ابراهيم الكرخي الكاتب بايلاق ، قال حدثنا ابو الحسن محمد بن صقر الغساني ، قال حدثنا ابوبكر محمد بن يحيى الصولي قال سمعت ابا العباس محمد بن يزيد المبرد يقول خرج ابونواس ذات يوم من داره فبصر براكب قد حاذاه ، فسئل عنه ولم يروجه فقيل : انه علي بن موسى الرضا عليه السلام فانشأ يقول :

اذا ابصرتك العين من بعد غاية	وعارض فيك الشك اثبتك القلب
ولو ان قوماً امموك لقادهم	نسيمك حتى يستدل بك الركب

\* \* \*

درباب عاقبت کار ابونواس اشاره به این امر گردید که در پایان زندگی از گناهان

۳- عيون اخبار الرضا للشيخ الاقدم والمحدث الاكبر ابي جعفر الصدوق ، چاپخانه دارالمعلم ، قم

و اعمال ناروای خویش توبه کرد و تنبّه حاصل نمود. دکتر فوزی عطوی که دیوان ابی نواس را در بیروت (لبنان) چاپ کرده در بخش (الخمريات) در مقدمه آن این مطالب را بنقل از دکتر طه حسین چنین آورده است:

«ان ابانواس لم یکن قلیل الخطر ، ولا رجلاً لایؤبه له ، وانما کان ذامکانه عالیه ، و عالیه جداً ، وانه علی هذه المکانة کان ما جنأ ، مجاهرآ بالمجون ، مستمتعاً باللذّة ، لایخشی فی ذلك سخط الامراء ، ولا انکار الفقهاء والمحدثین ، وانما یعتمد علی شیء واحد ، هو عفو الله ، وانه قد اخذ من الحیاة لذاتها جميعاً ، فلما مرض وعلم انه میت ، انفق مرضه یتوب و ینسیب ، و یعتذر و یتستفر ، فلما مات رأى بعض الرواة فی المنام ان الله قد غفر له ، وانه قد دخل الجنة» (صفحه ۸ دیوان ، الخمريات ، بیروت ، لبنان) .

\* \* \*

مؤلف جواهر الادب ، السيد احمد الهاشمی بك ، در ذیل ترجمه حال ابونواس چند بیت از ابیاتی که در «حال احتضار» سروده است نقل کرده که در آن حالت تصرّح آمیز و پوزش خواهی شاعر آشکار می باشد:

یا رب ان عظمت ذنوبی کثرة  
فلقد علمت بان عفوك اعظم  
ان کان لا یرجوك الا محسن  
فبمن یلوذ و یسجیر المجرم ؟  
ادعوك رب کما امرت تصرّعا  
فاذا رددت یدی فمن ذایرحم ؟  
مالی الیک وسیلة الا الرجا  
وجمیل عفوك ثم انی مسالم

